

اقلیتهای مذهبی در

حکومت اسلامی

داود الهامی

با توجه به آنچه در این مقاله می خوانید روشن می شود که نه
جائی برای نگرانی هموطنان غیر مسلمان در جمهوری اسلامی
است و نه موردی برای سمپاشی دشمنان



عامل اصلی پیروزی انقلاب ما

عظمت انقلاب راستین ایران ، بر هیچ فرد و هیچ دسته و هیچ کشوری پوشیده
نیست و به یقین می توان گفت چنین جنبش و انقلابی در تاریخ دنیا بی سابقه است و این
انقلاب شکوهمند ، با چنان سرعت و قاطعیتی انجام گرفت که تمام مفسران سیاسی چه در
شرق و چه در غرب ، غرق در حیرت و شگفتی شدند .

اگر متفکرین سیاسی غرب ، تعصب نداشته باشید ، باید از انقلاب اصیل مردم
ایران که به هیچوجه با اصول مارکسیستی و اصول تحول غربی قابل توجیه نیست ، جامعه
شناسی جدید بیاموزند ، و متوجه گردند که در " ایمان " نیروئی است که در امور عقلی و
نیروی مادی وجود ندارد .

این حقیقت را نباید نادیده گرفت که نخستین ویژگی این قیام و مهمترین

انگیزه این نهضت فراگیر، "ایمان" مردم ایران بود. آری قدرت مذهب، یعنی اسلام بود، که خیلی از مشکلات و مخصوصا مشکل مرگ‌رایی مردم غیور ایران حل کرده بود. و جوانان ما، خودرا در میدان مبارزه در میان "احدی الحسینین" می‌دیدند، پیروزی و سربلندی یا شهادت و تضمین حیات برای ملت خود. همین «ایمان» بود که به مردم ما روحیه داد و آنان را برای هر نوع فداکاری و جانبازی آماده ساخت.

تصادفی نیست که می‌بینیم انقلاب مردم ما در ماه محرم، "ماه شهادت" "ماه عاشورا" و "اربعین حسینی" به اوج خود می‌رسد و بنیان و اساس ظلم را بلرزه در می‌آورد و سرانجام رژیم خودگامه و مستبد شاه را با ۲۵۰۰ ساله سابقه نابود می‌سازد. همچنین چند روز پیش بود که اکثریت قاطع ملت ایران به پای صندوق‌های رای رفتند با شور و شوق فراوان آراء خودرا به حمایت از ایجاد "جمهوری اسلامی" بسطه صندوق‌ها ریختند، و پاسخ مثبت میلیونها ایرانی، نخستین حکومت "الله" را به منصفه ظهور درآورد.

پس اینکه انقلاب ایران، یک انقلاب مذهبی است، جای تردید نیست و اگر کسی این حقیقت را انکار کند بقول "برتولت برشت" "آن که حقیقت را نمی‌داند بی شعور است و آن که حقیقت را می‌داند و آن را انکار می‌کند تبهکار است" و تاریخ ثابت کرده است که نغی واقعیتها و پشت کردن به حقایق، چیزی جز شکست و ناکامی بدنبال ندارد و این واقعیت است که انقلاب ایران جنبه مذهبی و معنوی دارد.

آری با پیروزی مسلمانان در نهضت اخیر، بقول روزنامه کویتی "صبح صادق تازه ای برای مسلمانان آغاز گردیده است، مسلمانان جهان، پیروزی اسلام را جشن گرفتند و علیرغم طوفانی که کمونیست‌ها در جهان بپا کرده‌اند، مسلمانان حرکت عظیم خودرا آغاز نموده‌اند.

به تعبیر "تایم" هفته نامه چاپ آمریکا به اعتقاد اکثریت قاطع صاحب نظران و اسلام شناسان، اسلام با اراده قاطع، به حیات خود در جهان کمونیسم ادامه میدهد. ^۱ ناگفته پیداست این موفقیتی که مسلمانان به آن نائل آمده‌اند برای استعمارگران شرق و غرب و ته‌مانده‌های رژیم منفور پهلوی، قابل تحمل نیست و لذا تا می‌توانند سعی می‌کنند و برای تضعیف اسلام و روح انقلابی مسلمانان، نقشه می‌کشند و سعی می‌کنند مردم را به حکومت جمهوری اسلامی بدبین نمایند.

روزی زنهای مجاهد و مبارز ما را برضد انقلاب بسیج می‌کنند و روز دیگر میان نزادها و گروه‌های مختلف، اختلاف می‌اندازند و روز دیگر هم اقلیتهای مذهبی را تحریک می‌نمایند و می‌گویند چنانچه جمهوری اسلامی تشکیل شود دیگر اقلیتهای مذهبی در این

جامعه حق حیات نخواهند داشت و امثال اینها . . .

غافل از اینکه حکومت اسلامی برای ملت ما یک چیز بی سابقه و ناشناخته نیست و ریشه در عمق وجود مردم ایران دارد و در متن واقعیت تاریخ و در طول سرگذشت مردم ما، تحقق عینی یافته و ریشه دارترین و واقعی ترین تاریخ را دارد، حکومتی کسه ساخته اراده قدرتهای خارجی است نمی باشد، اینک امتیازاتی که اسلام برای اقلیتهای مذهبی قائل شده و در طول تاریخ هم از طرف مسلمانان کاملا مراعات گردیده است، به طور فشرده از نظر خواننده گرامی می گذرد.

اعتراف به حقوق ملل و مذاهب بیگانه

قرآن مجید با صراحت، سیاست کلی اسلام را درباره مراعات حقوق ملل و مذاهب بیگانه این چنین بیان کرده است

" لا ینهیکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین"^۲

کسانی که با شما در مذهب مقاتله نمی کنند یعنی با شما جنگ مذهبی ندارند و شما را از وطنتان اخراج نمی کنند خداوند منع نمی کند شما را از این که با آنان به عدالت و نیکی رفتار کنید " یعنی اقلیت ها یا مخالفین اسلام اگر با شما جنگ مذهبی اعلام نکردند و به شما فشار نیاوردند و شما را از وطنتان خارج نکردند خداوند نهی نمی کند شما را از اینکه با آنها با عدالت و نیکی رفتار کنید. بدین ترتیب اسلام اجازه می دهد اقلیت های مذهبی و مخالفین اسلام در جامعه اسلامی باشند و از حقوق انسانی برخوردار گردند.

در آیه دیگر می فرماید " و انما ینهیکم الله عن الذین قاتلواکم فی الدین — اخرجوکم من دیارکم و ظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم و من یتولهم فاولئک هم الظالمون"^۳ با چه کسانی نباید به نیکی رفتار کرد؟ تنها با کسانی که با شما عناد می ورزند و می جنگند و شما را از وطنتان می خواهند اخراج کنند و با هم همدست می شوند تا شما را بیرون برانند، آنها را نباید دوست خودتان حساب کنید . . .

سیاست کلی اسلام، درباره اقلیتهای مذهبی و مخالفین اسلام، از این دو آیه کاملا فهمیده می شود، یعنی مادامی که اقلیتها به حقوق اکثریت تجاوز نکنند و بر ضد اسلام و مسلمانان توطئه ننمایند، در کشور اسلامی کاملا آزاد هستند و مسلمانان وظیفه دارند با آنها به عدالت و نیکی رفتار کنند. ولی اگر بر ضد اسلام و مسلمانان با کشورهای دیگر بندوبست داشته باشند، مسلمانان موظف هستند جلو فعالیت آنها را بگیرند و هرگز آنها

خوشرفتاری مسلمانان با اقلیتهای مذهبی

اسلام به مسلمانان تاکید می‌کند که تعهدات خود را در مورد حمایت از " اهل ذمه " محترم شمارند و با آنان مدارا و خوشرفتاری کنند چنانکه در قرآن مجید آمده است " ولاتجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن الا الذين ظلموا منهم و قولوا آمنا بالذي انزل الهينا و انزل اليكم . . . " ^۴

با اهل کتاب جز بطریق نیکو مجادله نکنید ، مگر کسانی از آنان که ستم کرده‌اند به آنان بگوئید به کتاب خویش و کتاب شما ایمان داریم ، خدای ما و خدای شما یکی است و ما مطیع او هستیم . . . "

پیامبر اکرم (ص) درباره اهل کتاب (یهود ، نصاری ، مجوس) مسلمانان را به رفق و مدارا توصیه کرده است ، در این باره از پیامبر (ص) حدیثی نقل شده که فرمود " من ظلم معاهدا و کلفه فوق طاقته فانا حجاجه یوم القیامه " ^۵ هرکس بر همسایگان مسلمانان ستم کند یا به او بیش از طاقت تکلیف نماید در روز قیامت من شخصا طرف حساب او هستم .

در جای دیگر می‌فرماید " هرکس به اهل ذمه اذیت کند من دشمن او هستم و روز قیامت از او انتقام خواهم گرفت " ^۶

پیامبر اکرم (ص) نه تنها بازنده‌های اهل کتاب خوشرفتاری می‌نمود ، بلکه به مردگان آنان نیز احترام می‌گذاشت .

" جابر بن عبدالله " می‌گوید " جنازه‌ای از کنار ما گذشت ، پیامبر اکرم برخاست ما نیز برخاستیم و عرض کردیم یا رسول الله این جنازه یک نفر یهودی است . فرمود . آیا جنازه انسان نیست ؟ هرگاه جنازه‌ای دیدید ، برای احترام او برخیزید ^۷

رفتار مسالمت آمیز پیامبر اکرم (ص) با اهل ذمه همواره سرمشق مسلمانان بود

امیر مومنان علی (ع) به فرماندار خود درباره اهل ذمه چنین سفارش فرمود " دقت کن هنگامی که برآنان وارد شدی ، مبادا به عنوان جزیه لباسهای آنان را بفروشی . گویانکه تابستان باشد و نیازی به آن لباسها نداشته باشند و همچنین ازراق و چهارپایان آنان را به معرض فروش نگذار من حاضر نیستم تو برای خاطر درهمی حتی یک تازیانه بر یکی از آنان بزنی و یا مطالبه درهمی آنان را بیای نگهداری "

نماینده حضرت عرض کرد " ولو به قیمت این تمام شود که بهمین حالی که میروم

تهیدست بازگردیم؟" فرمود "وای بر تو ما جمعیتی هستیم که مامور به عفو و احسانیم . . .
همچنین علی (ع) در سررأه خود دید پیرمرد نصرانی گدائی می کند . فرمود ای
مردم . در جوانی از او کار کشیدید آنگاه که پیر شد او را بخود وا گذاشتید؟ سپس دستور
دارد نفقه او را از بیت المال بپردازند" ۹

اغلب خلفا و زمامداران اسلامی ، طبق همین روح بزرگواری خالص اسلامی ، قدم
برمی داشتند ، چنانکه در تاریخ نقل شده یکی از خلفا پیرمرد پریشانی را دید که به گدائی
مشغول است از او احوال گرفت ، معلوم شد که او یهودی است ، به او گفت چه چیز ترا به
این کار واداشته است؟ او گفت

" جزیه دادن ، نیازمندی و پیری " دست او را گرفت و به منزل خود برد و سه
مقداری که نیازمندی فوری او را رفع کند ، به او بخشید آنگاه او را پیش خازن بیت المال
فرستاد و به او دستور داد تا مراعات حال این مرد و امثال او را بنماید افزود قسم به خدا
اگر در حال جوانی از آنها سود ببریم و در هنگام پیری آنها را رها کنیم ، انصاف نکرده ایم ۱۰
بدین جهت اهل کتاب با کمال میل و اشتیاق حاضر می شدند دروازه شهر های
خود را بروی مسلمانان بگشایند و از آنان بگرمی استقبال نمایند .

هنگامی که سپاهیان مسلمین به فرماندهی " ابو عبیده جراح " به سرزمین " اردن "
رسیدند ، مسیحیان اردن ، نامه ای به این مضمون به مسلمانان نوشتند " ای مسلمانان شما
پیش ما ، از رومیان محبوبترید گرچه آنها همکیش ما هستند ولی شما نسبت به ما باوفا تر ،
رئوفا تر ، عادلتر و نیکوکار ترید ، آنها علاوه بر اینکه بر ما مسلط شدند منازل و هستی ما را
هم غارت کردند " ۱۱

در اینجا بجاست که مطالب فوق را از زبان کشیش بزرگ " انطاکیه " که مظالم
دولت روم ، او را بدامن مسلمین کشانده بود ، بشنویم ، وی صریحا اعتراف می کند " این
دست انتقام الهی بود که در مقابل ستمکاری و بیدادگری روم که به اتکای قدرت خود
" کنائس " ما را غارت ، و سرزمینهای ما را غصب کرده و بیرحمانه بر ما عذاب و شکنجه وارد
می ساخت ، فرزندان اسماعیل " مسلمانان عرب) را از نقاط دور دست جنوب به سوی ما
فرستاد تا ما را آزادی بخشیده و از دست روم نجاتمان دهند " ۱۲

" سر . شاو . ادنولد " مولف کتاب " الدعوه الی الاسلام " می نویسد " شهرهایی
که به دست عمال امپراطوری روم اشغال شده بود ، در مقابل مسلمانان یکی پس از دیگری
در کمال رضایت و خوشنودی گشوده می شد و این بخاطر آن بود که از یک نوع بزرگواری و
گذشت بهره مند می شدند که در طول تاریخ قرنهای متعادی بر اثر تعصبات مذهبی ، رنگ
آن را ندیده بودند . اسلام به آنها اجازه میداد که شعائر مذهبی خود را بدون مزاحمت

انجام دهند فقط برای جلوگیری از تحریکات مذهبی و تصادمات خونین لازم می‌دید که مقرراتی، در این زمینه مراعات گردد" ۱۳

آری اینگونه مدارا با اهل کتاب سبب شده بود که آنان در قلمرو اسلام خود را در امنیت و آسایش کامل حس کنند نصارائی که در بیزانس بوسیله کلیسای رسمی مورد تعقیب واقع می‌شدند به کشور اسلامی پناه می‌جستند، ما در تاریخ اقلیت یهودرامی بینیم که در سال ۷۰ از وطنش دور می‌شود و مجبور می‌گردد در تمام نقاط دنیا متفرق شود، بیشتر این اقلیتها در کشورهای اسلامی ساکن می‌شوند و آنچنان مسلمانان با آنان با مسالمت رفتار می‌کنند که هرگز احساس غربت و اقلیت نمی‌کنند، خوبست این مطالب را از زبان "گیموله" (یک فرد فرانسوی و عضو حزب سوسیالیست) که چند سال پیش در بحران شمال آفریقا کشته شد، بشنویم. او می‌گوید

مذهب یهود با اینکه یک اقلیت بود و همیشه در کشورهای اسلامی نفوذ داشت و زندگانی می‌کرد هیچوقت احساس نکرد که در اقلیت است و احساس نکرد که باید یک نهضت نژادی درست کند و یک جا متمرکز شود برای خود دولتی تشکیل دهد و یک نهضتی بر اساس نژاد و مذهب برای خود در کشورهای اسلامی بسازد برای چه؟ برای اینکه آزاد و پراکنده در این کشورها، مثل سرزمین خودش زندگی و تجارت می‌کرد و از همه مزایا و حقوق انسانی هم برخوردار بود" ۱۴

این است که می‌بینیم بهترین و زیباترین کلیساها در سرزمین اسلام در اوج اسلام ساخته شده است. ما اکنون در شهرهای مختلف ایران می‌بینیم، اقلیت یهود، نصاری، مجوس، آزادانه زندگی اقتصادی و زندگی اخلاقیشان را ادامه می‌دهند و هیچوقت احساس احتیاج نمی‌کنند که متمرکز شوند.

بنابراین چه گذشت، این حقیقت آشکار است که روح اغماض و مدارا نسبت به اهل ذمه، جزء لاینفک تعلیمات عالییه اسلام است، بطوری که رفتار پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و مسلمانان در طول تاریخ با اقلیتها، روشنگر این حقیقت است.



امتیازاتی که اسلام برای اقلیتهای مذهبی قائل است

هیچ دینی و هیچ حکومتی در دنیا، مانند دین اسلام ضامن آزادی اقلیتها و حافظ شرف و حقوق ملی آنها نیست.

کدام دین و کدام قانون به اندازه اسلام برای اقلیتها ارزش و احترام قائل شده

است؟

تنها اسلام است که عدالت اجتماعی کامل را در کشورهای اسلامی نه تنها برای مسلمین تامین می‌کند، بلکه برای تمام ساکنان سرزمین خود با وجود اختلاف دین و نژاد و زبان و رنگ، فراهم می‌سازد. و این یکی از مزایای بزرگ عالم انسانیت است که غیر از اسلام، هیچ دینی و قانونی نمی‌تواند به این آرمان تحقق بخشد.

اقلیت‌های مذهبی با انعقاد پیمان "ذمه" و اکتساب تابعیت می‌توانند در میان مسلمانان آزادانه زندگی کنند و از حقوق اجتماعی و امنیت داخلی و خارجی مانند افراد مسلمان بهره‌مند گردند.

و این وظیفه حکومت اسلامی است که مال و جان و ناموس و شرف آنان را محترم شمارد و نگذارد حقوق آنان به هیچ وجه مورد تعدی و تجاوز قرار بگیرد.

اسلام خونبهای "ذمی" را با مسلمان برابر دانسته است "و جعل علی (ع) دیه النصرانی کدیه المسلم" ۱۵

از نظر اسلام، ناموس اقلیت‌های مذهبی که در ذمه اسلام هستند، مانند ناموس مسلمانان محترم است.

بدین جهت، هنگامی که علی (ع) اطلاع پیدا می‌کند که عده‌ای طفیانگر و یاغی بدستور معاویه به یکی از شهرهای عراق حمله آورده‌اند و مال و جان و ناموس مردم را مورد تعدی و تجاوز قرار داده‌اند، بسیار متاثر می‌شود و زبان به سرزنش می‌گشاید و می‌فرماید "بمن خبر رسیده که یکی از لشکریان با عنف، خلخال و دستبند و گردن بند و گوشواره های یک زن مسلمان و یک زن ذمی را درآورده است و آنان نمی‌توانسته‌اند از خود دفاع کنند یا گریه و زاری نمایند و از خویشان خود کمک بطلبند"

در نظر علی (ع) ناموس مسلمانان و اهل ذمه به قدری محترم است که می‌فرماید: "اگر مرد مسلمانی از شنیدن این واقعه از حزن و اندوه بمیرد، براو ملامت نیست، بلکه بنظر من سزاوار مرگ است" ۱۶

بطور کلی، قانون اسلام حکم می‌کند که حکومت اسلامی باید حافظ مال و جان، و ناموس و شرف اقلیت‌های مذهبی باشد معابد و کلیساها و عبادتگاههای آنان را تامین کند بطوریکه بتوانند آزادانه مراسم و شعائر و اعمال مذهبی خود را بجا آورند، بدین ترتیب حکومت اسلامی خود را ملزم بحفظ معابد آنها می‌داند و مانع از تخریب آنها می‌گردد. در عین حالی که اسلام وظیفه مسلمانان را تبلیغ مذهب خود می‌داند هیچ اقلیتی را وادار نمی‌دارد که ترویج فکر و مذهب خودش را تعطیل کند و همیشه حقوق اقلیت‌ها را محترم

می داشته است .

" اهل ذمه " از نظر قضائی نیز کاملاً آزاد هستند در منازعات و اختلافات مخصوص خود می توانند به دادگاههای خود مراجعه کنند و اگر خودشان دادگاه نداشته باشند و یا با افراد مسلمین اختلاف و نزاعی پیدا کنند با کمال اطمینان به قاضی مسلمانی مراجعه کرده و از حقوق خود دفاع نمایند . در قانون اسلام یک نفر ذمی می تواند در برابر قاضی مسلمین از بزرگترین شخصیت اسلام (خلیفه) شکایت کند و یا در مقابل شکایت او از خود دفاع نماید^۱

ناگفته نماند این تعالیم فقط جنبه شعوری و فرضیه ندارد که برای گفتن و شنیدن مناسب باشد بلکه در تاریخ طولانی اسلام این تعالیم عملی شده است .

تاریخ پرافتخار اسلام نشان می دهد که روابط مسلمانان با ملل و اقلیتهای مذهبی از همان آغاز پیدایش حکومت و استقلال سیاسی مسلمانان همواره بر اساس مسالمت و همزیستی و پیمانهای دو جانبه بوده و روی همین اصل اقلیتهای مذهبی بدون کوچکترین تعدی و ظلم و شکنجه ، آزادانه در میان مسلمانان زندگی می نمودند و از حقوق مسلم خود بهره مند بودند .

مسالمت و تسامح مجاهدین اسلام با ملل مغلوب به اندازه ای بود که اقلیتهای مذهبی وقتی با آنان روبرو می شدند مسلمانان را از جان و دل می پذیرفتند تا آنجا که بعضی از گروههای رنج دیده ، سپاهیان اسلام را آزادی بخش و نجات دهنده آسمانی لقب می دادند .

" آدام متز " مستشرق معروف در کتاب خود می نویسد

" آنچه که ممالک اسلامی را از اروپای مسیحی امتیاز بخشیده ، وجود عده زیادی از اقلیتهای مذهبی غیر مسلمان است که در سرزمین های اسلامی آزادانه بسر می بردند ، در صورتی که در اروپای مسیحی چنین چیزی هرگز وجود نداشت و نیز مشاهده می شود که کنیسه ها و معابد ادیان دیگر ، همواره در سرزمینهای اسلامی آزادانه بسر می بردند ، در صورتی که در اروپای مسیحی یک چنین چیزی هرگز وجود نداشت و نیز مشاهده می شود که کنیسه ها و معابد ادیان دیگر ، همواره در سرزمینهای اسلامی بطوری آزاد بودند که گویا اصلاً زیر نظر حکومت اسلامی نیستند و این آزادی بر اثر یک سلسله پیمانها و حقوقی بود که یهودیان و مسیحیان در اسلام داشتند^۱

همچنین نویسنده فرانسوی " کونت هانری دی کاستری " ضمن تشریح روش مسالمت آمیز مسلمانان با مسیحیان می نویسد " من تاریخ نصاری را در سرزمینهای اسلامی بدقت بررسی نمودم و از آن این حقیقت تابناک را بدست آوردم که رفتار مسلمانان با نصاری در

کمال مهربانی و مسالمت بوده و از هرگونه خشونت برکنار و براساس خوش سلوکی و مجامله نیکو بوده است و این حسن رفتار چیزی است که از غیر مسلمانان دیده نشده است .
حتی همین نویسنده مسیحی ، علت بقای نسل یهود را از مسلمانان دانسته است
آنجا که می‌گوید " اگر از جنس یهودی تا بحال کسی در این جهان بجای مانده است ، بر اثر همان دولتهای اسلامی بود که در قرون وسطی آنان را از دست مسیحیان خون آشام نجات دادند .

در صورتی که اگر نصاری همچنان بحال قدرت باز می‌ماندند و برجهان حکومت می‌کردند ، نسل یهود را از جهان برمی‌داشتند " ۳

بنابراین برای اقلیتهای مذهبی هیچ جای نگرانی نیست بطور مسلم در جمهوری اسلامی همه در رفاه و آسایش خواهند بود و حق کسی پایمال نخواهد شد و تمام اقلیتها مانند برادران هموطن مسلمان خود از تمام حقوق و مزایا استفاده خواهند کرد .



-
- ۱- بنقل از روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۸۳۱
 ۱- قرآن مجید سوره ۹۶ آیه ۹
 ۲- سوره ۹۶ آیه ۱۱
 ۴- سوره عنکبوت آیه ۴۹
 ۵- فتوح البلدان بلاذری صفحه ۱۶۷ طبع مصر
 ۶- روح الدین الاسلامی ص ۲۷۴
 ۷- صحیح بخاری بنابنقل سید قطب در کتاب " اسلام و صلح جهانی " ص ۲۵
 ۸- نهج البلاغه قسمت نامهها
 ۹- وسائل کتاب جهاد باب ۱۹ حدیث اول
 ۱۰- اسلام و صلح جهانی صفحه ۱۵۱
 ۱۱- تاریخ ابن عساکر ج اول صفحه ۴۰
 ۱۲- السلام العالمی والاسلام صفحه ۱۵۸
 ۱۳- بنابنقل اسلام و همزیستی مسالمت آمیز صفحه ۱۱۹-۱۲۰
 ۱۴- کتاب برتون جهاد
 ۱۵- علی (ع) خونبهای ذمی را مانند خونبهای مسلمان قرارداد رجوع بکتاب چهره جهاد در اسلام تألیف نگارنده
 ۱۶- نهج البلاغه خطبه جهاد